

امپراطوری زنگ

دوران تسلط پرتغالیها

پانصد و بیست سال بعد از تأسیس امپراطوری زنگبار پای اروپاییها به آفریقا باز شد و برای اولین بار بعد از امپراطوری روم پرتغالیها به آفریقای شرقی آمدند و دولت زنگو ایالات تابع آنرا مغلوب کرده و نواحی ساحلی را جزو مستعمرات پرتغال قرار دادند .

در قرن پانزدهم میلادی دریانوردان پرتغالی در جستجوی راه دریائی از طریق آفریقا به سرزمین هند بودند . در سال ۱۴۸۶ بار توم میو دیاز (Bartho lemeo Diaz) موفق شد دماغه جنوب آفریقا را دور بزند و بسمت شمال روی آورد . ده سال بعد واسکود گاما از همین راه به هندوستان رسید . وی در ۸ ژوئیه ۱۴۹۷ از پرتغال حرکت کسرد و در ۲ مارس ۱۴۹۸ به مومباسا رسید و یک ماه بعد در بندر مالیندی پیاده شد و از طرف حکمران آنجا مورد استقبال قرار گرفت و راهنمایی از مالیندی با خود برداشت و به سوی هندوستان عزیمت کرد . در مراجعت از هند که یکسال بعد صورت گرفت مجدداً در مالیندی توقف کرد و یک ستون سنگی در آنجا بنا کرد که هنوز پا برجاست .

واسکود و گاما همه جادر سواحل آفریقای شرقی اثر تمدن نسبتاً عالی مشاهده کرد و هر چه بیشتر بسمت شمال میرفت علائم تمدن زیادتر میشد . در اینجا کشتیهای بزرگ و ملاحان ماهرو سائل دریانوردی و نقشه و قطب نما و غیره وجود داشت . وقتی در سال ۱۴۹۹ به پرتغال مراجعت کرد مشاهدات و اکتشافات خود را شرح داد . در نتیجه پرتغالیها کشتیهای متعدد به اقیانوس هند فرستادند در بین ۱۵۰۰ و ۱۵۰۹ کلیه نواحی ساحلی را متصرف شدند و حیظه اقرار خود را به عمان و مسقط و خلیج فارس تا سلیمان و هند رسانیدند و دم دوارته دولموس Dem Duarte de Lemes بعنوان فرماندار همه متصرفات پرتغال در آفریقا ز عربستان تعیین گردید . تصرف ساحل آفریقای شرقی قسمتی از نقشه جاه طلبانه البوکرک 'albuguersue بود که قبل از آنکه در سال ۱۵۰۹ به مقام نایب السلطنه

هندوستان برسد آنرا بموقع اجرا گذاشته بود . در آنموقع بازرگانان پرتغال برای آنکه تجارت پرمفعت ادویه را بدست گیرند مجبور بودند با حکمرانان محلی هند سروکار داشته و متکی بر حسن نیت آنها باشند و برای انجام این امر در خاک هند انبارهایی ساخته و عاملینی از طرف خود معین کردند . البوکرک متوجه شد که از موقعیت استفاده کرده و نیروی دریائی و امپراطوری مسیحی مذهب بزرگی در هندوستان تشکیل دهد و برای این کار میبایست دولت پرتغال نیروی دریائی بزرگی در اقیانوس هند نگاه دارد . و برای تأمین خطوط مواصلاتی لازم بود که در مسیر خطوط عمده قلاع مستحکم در اختیار داشته باشد . مرکز این نیرو و امپراطوری را در هندوستان گوا Goa معین کرد و نماینده دولت پرتغال که باو لقب نایب السلطنه هندوستان داده شده بود در گوا مستقر شده و تجارت ساحل غربی هند را تحت کنترل خود قرار میداد . برای حمایت راه مواصلات به هندوستان البوکرک تصمیم گرفت سه محل را تحت کنترل خود بگیرد که عبارت بودند از سوکوترا Socotra که پایگاهی برای دست یابی به بحر احمر و نظارت بر کشتی های حامل ادویه محسوب میشد (عدن را برسوکوترا ترجیح میداد ولی در تصرف عدن توفیق حاصل نکرد) . محل دوم جزیره هرمز بود که سر راه خلیج فارس و مهمترین بازارهای محصولات مشرق زمین بود و محل سوم مالاکا Malacca بود که آخرین نقطه غربی تجارت چین محسوب میشد و نقطه ای بود که پرتغالی ها میتوانستند کلیه تجارت ادویه را از خلیج بنگال تحت نظارت خود قرار دهند . البته تصرف این سه محل کافی نبود و میبایست نقاط دیگری در سر راه کشتی ها داشته باشد که با آنها آذوقه و آب و وسائل برسانند و تصرف نقاط ساحلی افریقای شرقی واجب بنظر میرسید و این امر در بین سال های ۱۵۰۰ تا ۱۵۰۹ با کمال وحشیگری و شقاوت بعمل آمد .

آغاز فتوحات پرتغال

اولین قدم توسط واسکودوگاما در سفر دوم خود به هندوستان در سال ۱۵۰۲ برداشته شد . واسکودوگاما سر راه خود در کیلوا توقف کرد و سلطان را مجبور کرد که هر سال ۱۵۰۰ منقال طلا (در حدود ۷۵۰ رطل) بعنوان خراج بپردازد و خود را دست نشانده پادشاه پرتغال بداند . پرتغالی ها این رویه را همه جا تعقیب میکردند و از هر شهری خراج میگرفتند و اگر شهری مقاومت میکرد آنرا منهدم مینمودند . بعد از کیلوا نوبت زنگبار رسید و در سال ۱۵۰۳ فرمانده پرتغالی موسوم به راواسکو Ravaasco کشتی های کوچک زنگبار را توپ بست و کالاهای آنها را بزور گرفت .

دالمیدا . این فقط اول کار بود در ۱۵۰۵ نیروی دریائی مرکب از بیست کشتی از پرتغال بسوی هندوستان حرکت کرد . دالمیدا d'Almeida نایب السلطنه منتخب از طرف پادشاه پرتغال فرماندهی این نیرو را بعهده داشت . اولین هدف این نیرو اشغال

سه نقطه حساس در ساحل آفریقای شرقی یعنی سونالا و کیلوا و مومباسا بود. سونالا از این جهت برای پرتغالی‌ها اهمیت داشت که مرکز تجارت طلا بود. سونالا در مقابل حمله پرتغالی‌ها مقاومتی بخرج نداد و در آنجا قلعه‌ای برای حمایت عده‌ای پرتغالی‌ها که بجای اعراب در آنجا مستقر شدند ساخته شد. کیلوا که زمانی مرکز و پایتخت امپراطوری زنگ بود و بر همه ساحل حکمرانی میکرد نیز همین سرنوشت را پیدا کرد و تسلیم شد بعد نوبت مومباسا رسید پس از انحطاط کیلوا مومباسا مرکز تجارت شده بود بطوریکه در سال ۱۵۰۵ کیلوا فقط چهار هزار جمعیت داشت در حالیکه جمعیت مومباسا از ده هزار نفر متجاوز بود. برخلاف کیلوا و سونالا مومباسا با سانی تسلیم نشد و پرتغالی‌ها برای تصرف آن بندر با قساوت روبرو شدند و مردم مومباسا شجاعانه از شهر خود دفاع کردند ولی تیرو کمان آنها در مقابل توپ و تفنگ پرتغالی‌ها مؤثر واقع نشد و پرتغالی‌ها پس از تصرف شهر آنرا آتش زدند. معیندا در طی ۲۰۰ سال قدرت پرتغالی‌ها مومباسا همیشه خاری در کنار پرتغالی‌ها بود. پرتغالی‌ها هیچکدام از این سه شهر را مرکز حکومت آفریقای شرقی قرار ندادند بلکه موزابلیک را متناسب‌تر تشخیص داده و آنرا در سال ۱۵۰۷ تسخیر و مستعمره خود نمودند.

نتایج فتوحات پرتغال - از همان آغاز کار پرتغالی‌ها از مستعمرات خود در سواحل آفریقای شرقی آفریقا ناراضی بودند زیرا ثروت و تجارتی که انتظار داشتند از آنجا بدست نیاوردند. امید داشتند که با از بین بردن واسطه و دلال هندی و عرب کلیه تجارت را خودشان بدست گیرند و استفاده واسطه را بخود تخصیص دهند. بدین منظور انبارهای خود را از پارچه و مهره و امتعه دیگر هندی پر کردند و بانتظار نشستند که آفریقائی‌ها برای آنان طلا، عاج و برده بیاورند. عربها نیز در نقاط ساحلی مراکزی داشتند ولی برای تجارت و داد و ستد با آفریقائی‌ها کاروانهایی بداخله قاره آفریقا میفرستادند. پرتغالی‌ها به اهمیت نقش عمده این کاروانها واقف نبودند و خودشان هم وسیله و افراد کافی نداشتند که از این قسم کاروانها بداخله آفریقا بفرستند. بهمین جهت عرضه طلا و عاج و برده روبه تقلیل گذاشت و مراکز عرب نشین داخله قاره آفریقا ضعیف و فقیر شدند. این امر بیشتر در موزابلیک و کیلوا و سونالا مشهود بود زیرا پرتغالی‌ها در آن نقاط پادگان و قلاع داشتند. در نواحی شمالی که امرا و سلاطین محلی تحت نظر پرتغالی‌ها حکومت میکردند وضع زیاد بد نبود ولی در این نواحی نیز اهالی بومی از پرتغالی‌ها بدست نفرت داشتند و روسای آنها را عفریت میخواندند.

طغیان مومباسا - مومباسا مرکز اغتشاش و طغیان بر ضد پرتغالی‌ها بود که در اثر نفرت از طرز حکومت آنها بوجود آمده بود. ضمناً بعضی از همسایه‌های مومباسا مانند مالیندی و زنگبار که دل خوشی از آن نداشتند در تنبیه مومباسا به پرتغالی‌ها کمک میکردند. از

جمله در سال ۱۵۲۸ مالیندی و زنگبار به نونیو دوکونا Nuno da Cunha که برای احراز پست نایب السلطنه به هندوستان میرفت کمک کردند تا به مومباسا حمله کند و نتیجه آن شد که مومباسا مجبور گردید مبلغ زیادی هر سال به طلا به عنوان خراج بپردازد و وقتی شهر مومباسا خواست از برداخت آن مبلغ گزاف سر باز زند پرتغالی‌ها تمام شهر را آتش زدند. پس از این واقعه تامدتی مومباسا باعث زحمت پرتغالی‌ها شد تا اینکه در سال ۱۵۸۶ دریا نورد ترک موسوم به میرعلی بیگ با چند کشتی به مومباسا آمد و به مردم گفت که از طرف سلطان عثمانی ما مورنجات آنها شده است و پرتغالی‌ها را از چند ناحیه بیرون کرد و پس از جمع آوری غنائم راه خود را گرفته، رفت و در ضمن نایب السلطنه در گوا از این مطلب خبر یافت و مومباسا را شدت تنبیه کرد. سه سال بعد میرعلی بیگ مراجعت کرد و وقتی نایب السلطنه از این مطلب اطلاع یافت چندین کشتی به مومباسا فرستاد تا از بروز طغیان دیگر جلوگیری کند. میرعلی بیگ با اینکه این دفعه نسبتاً مجهز آمده و پنج کشتی با خود آورده بود میدانست که دفاع در مقابل پرتغالی‌ها آسان نخواهد بود و بهمین جهت کمک قبیله موسوم به وازیمبا Wazimba را قبول کرد این قبیله آدم خور از نژاد بنتو بودند و از سرزمین زولو رو بشمال روی آورده بودند و کیلوا را تصرف نموده بودند. میرعلی اعتمادی بآنها نداشت ولی چاره نداشت مگر به آنها اجازه دهد وارد جزیره مومباسا شوند و جلوی پرتغالی‌ها را بگیرند. ولی همینکه وارد جزیره شدند به ساکنین حمله کردند و عده بسیاری از وحشت خود را به دریا پرتاب کرده و خوراک ماهی کوسه شدند.

قلعه عیسی ساگر چه پرتغالی‌ها طغیان مومباسا را فرو نشانند مع هذا این جزیره به مزاحمت ادامه میداد تا اینکه در سال ۱۵۹۲ پرتغالی‌ها شهر را تماما آتش زدند و سلطان مومباسا را خلع کرده و سلطان مالیندی را بجای او تعیین نمودند زیرا معمولا سلطان مالیندی فرمانروائی پرتغالی‌ها را قبول میکرد. ضمناً چون مومباسا از نظر جغرافیائی اهمیت خاصی داشت تصمیم گرفتند آنرا پایتخت مستعمرات افریقای شرقی خود قرار دهند. برای حفاظت این پایتخت جدید قلعه عیسی Fanl gesur را که رو بروی بندر قرار داشت بنا کردند.

انحطاط قدرت پرتغال در اواخر قرن شانزدهم اولین کشتی‌های انگلیسی در اقیانوس هند ظاهر شدند و در واقع پیش قراولان کمپانی انگلیسی هند شرقی بودند. پرتغالی‌ها از آمدن انگلیسی‌ها ناراضی بودند و بیم آن داشتند که انحصار تجارت این منطقه از دست آنها گرفته شود بخصوص که قدرت آنها در سواحل افریقای شرقی رو به ضعف نهاده بود. این امر چندین علت داشت. اولاً پرتغال آنقدر جمعیت نداشت که بتواند همه نقشه‌های مستعمراتی خود را بانجام رساند.

دو میلیون نفر برای کنترل کشور وسیع برزیل در آمریکای جنوبی و اداره کردن امپراطوری

اقیانوس‌هندکافی نبود. بعلاوه آن عده که در سواحل افریقای شرقی سکنی گزیدند گرفتار امراض مناطق حاره شده و از بین رفتند و عده زیادی نیز در جنگ‌های مداوم با بومیان و مردم ساحل‌گشته شدند. در ۱۵۸۰ فیلیپ دوم پادشاه اسپانیول وارث تاج و تخت پرتغال شد و سرزمین‌های بسیاری در آمریکا داشت و درست با آنها نمیرسید و بهمین جهت اداره امور مستعمرات پرتغال در درجه دوم اهمیت قرار گرفت. بنابراین در اواخر قرن شانزدهم قدرت پرتغال در افریقای شرقی رو به ضعف نهاده بود. اهالی و ساکنین امپراطوری از پرتغالی‌ها بشدت نفرت داشتند و از حرص و آز و ظلم و وحشیگری آنها به تنگ آمده بودند و در هر فرصت مناسب طغیان و سرکشی میکردند.

شورش‌های جدی علیه پرتغال اولین طغیان جدی موفقیت آمیز علیه پرتغال در خلیج فارس انجام گرفت و نیروی دولت ایران در سال ۱۶۲۲ پرتغالی‌ها را که موقتاً بر جزیره هرمز تسلط پیدا کرده بودند از آن محل راند. وقتی این خبر به سواحل افریقای شرقی رسید مردم آن ناحیه را تشجیع کرد و در سال ۱۶۳۱ حسب معمول مومباسا اولین محلی بود که علم طغیان برافراشت. رهبران انقلاب سلطان یوسف بود که پرتغالی‌ها او را در گواتر بیت کرده و مسیحی شده بود. در هندوستان با طرز زندگانی پرتغالی‌ها آشنا شده و از آن نفرت و انزجار حاصل کرده بود، بعد از آنکه سلطان مومباسا شد بدین اسلام در آمد و بعد از چند ماه با فرماندار پرتغالی مومباسا اختلاف حاصل کرد و در خفا علیه پرتغالی‌ها توطئه می‌کرد. در ۱۶۳۱ با سیصد نفر از مردان خود به قلعه عیسی حمله کرد و فرماندار پرتغالی را بقتل رسانید. با اینکه سلطان یوسف در خونخواری و رفتار وحشیانه با مردم دست کمی از پرتغالی‌ها نداشت دامنه انقلاب به جزیره پمبا و نقاط ساحلی بسط یافت. پرتغالی‌ها برای سرکوبی یاغیان و تصرف مومباسا از هندوستان قشون فرستادند و یوسف وقتی متوجه شد که تاب مقاومت با آنها را ندارد قلعه عیسی را منهدم کرد و به عربستان گریخت و بدین ترتیب مومباسا آخرین سلطان خود را از دست داد. ولی عمر امپراطوری پرتغال نیز بسر رسیده بود. کمپانی انگلیسی و هندی هند شرقی به تدریج نفوذ یافته و در سواحل شرقی اقیانوس هند جای پرتغالی‌ها را می‌گرفتند. بعد از نجات جزیره هرمز بوسیله حکومت ایران، عمان نیز پرتغالی‌ها را از آن کشور بیرون کرد و فقط افریقای شرقی برای آنها باقی مانده بود. ولی پس از چندی مومباسا از سلطان بن سیف امام عمان تقاضای کمک کرد و سلطان بن یوسف مومباسا را از تصرف پرتغال در آورد ولی در اثر بروز طغیان در عمان ناچار به مراجعت شد و پسرش امام سیف بن سلطان قلعه عیسی را متصرف شد و در ۱۶۹۸ مومباسا را در تصرف خود در آورد. سال بعد یعنی در ۱۶۹۹ پرتغالی‌ها را از کیلوا و پمبا نیز راند و این تاریخ معمولاً بقیه در صفحه بعد